

جستاری بر نقش روشنفکران ایرانی در طرح حقوق زنان طی دوره قاجار تا پیش از انقلاب اسلامی

گلرنگ خدیوی

چکیده

در اروپا در آغاز قرن نوزدهم صحبت از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان شد. الفاظی چون فمینیسم فضا را برای بحث و گفتگو راجع به حقوق مساوی زنان و مردان، به ویژه در مورد حق رای، حق تحصیل، حق اشتغال آماده نمود.

در پی این دیدگاه همزمان در جامعه ایران شاهد ظهور اصلاح طلبی به عبارتی دموکراتیزه کردن روابط جنسیتی، رهایی زنان از اقتدارگرایی سیاسی و پدرسالاری، مشارکت زنان در مسائل اجتماعی و بهبود موقعیت آنها در قوانین فقهی و اصول هرمنوتیک به معنی دکترین و روش تفسیر متون مذهبی شدیم، که بشدت مورد انتقاد قشر مذهبی و محافظه کار جامعه قرار گرفت .

ایدئولوژی و تفکرات روشنفکری که از شیوه‌های تفکر اروپایی سرچشمه گرفته بود، صحبت از آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و آزادی مذهبی نموده و فضای جدیدی را در جامعه ایران بوجود آورد. روشنفکران از جمله روزنامه‌نگاران و نویسندگان زنان را تشویق نموده، از جنبه و ابعاد مذهبی حقوق خود انتقادکنند. انقلاب مشروطه برای بسیاری از روشنفکران یک مرحله و یک تحول حیاتی به حساب می‌آمد. در صورتی که تحولات ناشی از ایجاد مجلس ملی و بحث بر سر تساوی حقوق و مطرح نمودن اهداف آزادی طلبانه، باعث ایجاد تنش میان روحانیون و روشنفکران شد. مجلس دوم متشکل از دموکرات‌ها، لیبرال‌ها و اعتدال‌گرایان، خواستار انتخابات آزاد، برابری همه شهروندان، قانون مطالبه برای مردان و زنان و تفکیک سیاست و دین شد. در صورتیکه در قانون اساسی مطرح شده، صحبتی

از حقوق زنان نشد. حقوق ذکر شده، صرفاً شامل حق تحصیل زنان بود. حقوق زنان محدود به مراقبت و تربیت کودک و خانه‌داری و حفظ بنیان خانواده بود. به عنوان دلیل محکم برای محدودیت زنان، امور خانه‌داری و حفظ خانواده، شریعت و سیستم حقوقی اسلامی مورد اهمیت واقع شد. با وجود این تنش انتقاد برانگیز، احزاب سیاسی بر اساس دستورالعمل و رهیافت خود در این دوره از حقوق زنان حمایت می نمودند .

با پایه‌ریزی دولت پهلوی استانداردهای دولتهای غربی بیشتر مدنظر قرار گرفت. بازگشایی مدارس و پایه‌ریزی سیستم آموزش و پرورش و همچنین برقراری یک سیستم اداری، حقوقی و قضایی در سرفصل دستور کار رضا شاه پهلوی بودند، که با انتقادهای بیشتر روحانیون مواجه شد. برای احزاب سیاسی این دوره همچنین برابری بین زن و مرد مد نظر بود. بسیاری از روشنفکران این دوره شیوه غرب را از برقراری امکان آزادی انتخاب، حق رأی و تصمیم‌گیری مستقل زنان در امور ازدواج و طلاق را استقبال نموده و ستودند.

با پایان یافتن سلطنت رضاشاه ایران دچار یک چالش اجتماعی شد. از طرفی یک جو سکولاریسم و روشنفکرانه جامعه ایران را به‌خود جلب کرده بود و از سوی دیگر، شریعت اسلامی به عنوان پایه و اساس تصمیم‌گیری‌های شخصی و اجتماعی به صورت یک استاندارد باقی ماند. این تضاد تبدیل به یک پارادکس مقطعی و به بخشی جدایی‌ناپذیر از بحث سیاسی پیرامون موضوعات زنان تبدیل شد.

این مساله در طی دوره حکومت محمدرضا شاه پهلوی ادامه یافت، در حالی که احزاب موجود بیشتر از پیش به شرکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی اهمیت داده و حقوق و قوانین خانواده تغییرات ویژه‌ای به بهبود جایگاه زنان داد. مقامات دولتی و روشنفکران وقت نیز خواستار حق رأی برای زنان بودند. روحانیون و گروههای مذهبی در این دوره مخالف تحولات موجود بوده و بهشدت شروع به مبارزه با آن نمودند. روند تغییرات اجتماعی و نگرش‌های موجود در زمینه حقوق زنان در دوره قبل از انقلاب اسلامی به اوج خود رسیده که در بخش سوم این مقاله به آن اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: روشنفکران، حقوق زنان، دوره قاجار، حق رأی، انقلاب اسلامی.